

تحلیل انتقادی استعاره‌ها در مناظره‌های تلویزیونی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۸

مهتاب نورمحمدی^۱، محمد دبیرمقدم^۲

چکیده

زبان در کارکرد اجتماعی آن، یعنی گفت‌وگو، در تعیین قدرت اجتماعی نقشی بسیار مهم دارد. از آنجا که استعاره پدیده‌ای بسیار رایج در زبان و حاکم بر نظام مفهومی است، می‌تواند در این راستا نقشی برجسته ایفا کند. با توجه به اینکه در زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، جامعه بیش از هر زمانی در معرض نزاع گفت‌وگوهای رقیب برای تغییر روابط قدرت قرار می‌گیرد، در این پژوهش، در پی آنیم که در چارچوب رویکرد «تحلیل انتقادی استعاره» چارتریس‌بلک که حاصل تلفیق رویکردهای شناختی، تحلیل انتقادی گفت‌وگو، کاربردشناسی و پیکره‌ای است، استعاره‌های به‌کاررفته در مناظره‌های تلویزیونی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ ایران را بررسی و از این رهگذر به اندیشه‌ها و نگرش‌های پنهان در پس متون تولیدشده دست یابیم. در این پژوهش سه فرضیه بررسی شد و یافته‌ها هر سه فرضیه را تأیید کردند: (۱) بستر تجربی مشترک با رأی‌دهندگان، متقاعدسازی منطقی و احساسی آنها و مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های خود و مشروعیت‌زدایی از دیدگاه‌های رقیب، مهم‌ترین انگیزه‌های کاربرد و گزینش استعاره‌ها در این مناظره‌ها هستند؛ (۲) در این مناظره‌ها از حوزه‌های سفر، منازعه، ساختمان بیش از سایر حوزه‌ها استفاده شده است؛ (۳) با وجود شباهت در استفاده جریان‌های سیاسی از حوزه‌های مبدأ استعاره‌ها، تفاوت‌هایی در فراخوانی هستی‌های این حوزه‌ها مشاهده می‌شود که بازتاب تفاوت‌های ایدئولوژیک این جریان‌هاست.

واژه‌های کلیدی

تحلیل انتقادی استعاره، متقاعدسازی، مشروعیت، انتخابات، مناظره‌های تلویزیونی

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
m.noormuhammadi@yahoo.com

۲. استاد تمام گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.
mdabirmoghaddam@gmail.com

۱. مقدمه

در عصری که پیام‌های چند واژه‌ای رهبران جهان به سرعت در هر گوشه و کناری منتشر می‌شود و بسیاری از محاسبات نظامی، سیاسی و ژئوپلیتیک جهان را برهم می‌زند، یکی از مهمترین ابزارهای صاحبان قدرت برای اعمال نفوذ، تأثیرگذاری و ترویج ایدئولوژی خود، زبان است. سیاستمداران به ساخت معانی می‌پردازند که در تولید، بازتولید و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند (Fairclough, ۱۹۹۵: ۱۴).

زبان در کارکرد اجتماعی آن، یا به تعبیری بهتر، گفتمان در تعیین قدرت اجتماعی نقشی بسیار مهم دارد. صاحبان قدرت تلاش می‌کنند به مدد کردارهای گفتمانی جهان اجتماعی را در مسیر مطلوب خود شکل دهند، شیوه‌های دیگر را نفی و طرد کنند، به قدرت خود مشروعیت بخشند و از قدرت دیگری سلب مشروعیت کنند.

یکی از پدیده‌های زبانی بسیار رایج که پس از اثر جریان‌ساز لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, ۱۹۸۰) از جایگاهی ویژه در نظام فکری، معنایی و زبانی بشر برخوردار شد، استعاره است. بررسی استعاره به منزله مؤلفه‌ای حاکم بر نظام مفهومی و رایج در زبان، می‌تواند ایدئولوژی نهفته در پس گفتمان سیاسی را آشکار کند (Feng, ۲۰۱۳ & Li, ۲۰۱۶) و یکی از بهترین کلیدهای کشف اندیشه خودآگاه و ناخودآگاه در پس متونی باشد که تولید شده‌اند.

استعاره به منزله یکی از ستون‌های ساختمان مفهومی در ذهن و شاید مهمترین مؤلفه نظام معنایی، نقشی برجسته در بازنمایی ایدئولوژی، به مثابه نظام معنایی مشروعیت‌ساز قدرت، ایفا می‌کند. در نتیجه، صاحبان قدرت از ظرفیت استعاره‌ها به صورت آگاهانه و ناخودآگاه، برای تثبیت مشروعیت خود و سلب مشروعیت دیگری، ایجاد تغییر در نظم‌های گفتمانی، برانگیختن تداعی‌های احساسی ناخودآگاه، تأثیرگذاری بر مخاطب، متقاعدسازی منطقی و احساسی، ارزیابی از خود و دیگری، برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی و از همه مهمتر، تسهیل مفهوم‌سازی واقعیت‌های انتزاعی و پیچیده سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و پدیده‌هایی که درک آن‌ها برای عامه مردم دشوار است، استفاده می‌کنند.

یکی از برهه‌هایی که بیش از هر زمانی جامعه را در معرض نزاع ایدئولوژی‌ها و در نتیجه گفتمان‌های رقیب قرار می‌دهد، زمان انتخابات است که با تلاش گروه‌های سیاسی برای حفظ یا تغییر روابط قدرت در راستای منافع خود همراه است (سلطانی، ۱۳۸۴). بنابراین، با توجه به اهمیت زبان و گفتمان در تولید، ادامه و تغییر روابط قدرت، می‌توان با تحلیل مؤلفه‌های زبانی و

گفتمانی متون تولیدشده در دوران رقابت‌های انتخاباتی، نقاب از چهرهٔ ایدئولوژی پنهان در پس این متون برداشت و به آگاهی‌ای دست یافت که تصمیم‌گیری هر چه بهتر را میسر کند.

در این پژوهش، در پی آنیم که در چارچوب رویکرد «تحلیل انتقادی استعاره» چاتریس‌بلک (Charteris-Black, ۲۰۰۴)، به مطالعهٔ انتقادی استعاره در مناظره‌های تلویزیونی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۶ بپردازیم و پاسخی برای این پرسش‌ها بیابیم: (۱) در این مناظره‌ها، انگیزه‌های گزینش استعاره‌ها از سوی نامزدهای انتخاباتی کدام‌اند؟ (۲) از کدام حوزه‌های معنایی در این استعاره‌ها بیشتر استفاده شده است؟ و (۳) آیا در استعاره‌های مورد استفادهٔ جریان‌های سیاسی شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی دیده می‌شود و اگر دیده می‌شود، چگونه می‌توان آن‌ها را تبیین کرد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها این فرضیات مطرح است: (۱) ایجاد بستر تجربی مشترک با رأی‌دهندگان، متقاعدسازی منطقی و احساسی آن‌ها و مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های خود و مشروعیت‌زدایی از دیدگاه‌های رقیب، مهم‌ترین انگیزه‌های کاربرد و گزینش استعاره‌ها هستند؛ (۲) در این مناظره‌ها از حوزه‌های سفر، منازعه، ساختمان بیش از سایر حوزه‌ها استفاده شده است؛ (۳) با وجود شباهت در استفادهٔ جریان‌های سیاسی از حوزه‌های مبدأ استعاره‌ها، تفاوت‌هایی در فراخوانی هستی‌های این حوزه‌ها مشاهده می‌شود که بازتاب تفاوت‌های ایدئولوژیک این جریان‌هاست.

۲. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش در زمینهٔ استعاره سابقه‌ای طولانی دارد و این موضع علاقهٔ پژوهشگرانی با رویکردهای مختلف را به خود جلب کرده است. در سال‌های اخیر مطالعهٔ استعاره علاوه بر جلب توجه اصلی پژوهشگران شناختی، توجه کاربردشناسان و تحلیلگران گفتمان را نیز به خود جلب کرده است. مطالعات زیادی با رویکرد گفتمانی به استعاره انجام شده است. پژوهش چاتریس‌بلک (۲۰۰۶) دربارهٔ بررسی نقش استعاره‌ها در ایجاد مشروعیت در گفتمان سیاسی حزب راست‌گرای بریتانیا در تبلیغات انتخاباتی، پژوهش هایپ (Ha Yap, ۲۰۱۳) دربارهٔ مناظره‌های تلویزیونی انتخابات ۲۰۱۲ هنگ‌کنگ و پژوهش ژاکل (Jäkel, ۲۰۱۸) روی استعاره‌های تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا نمونه‌هایی از این پژوهش‌هاست.

در ایران نیز پژوهش‌های مرتبطی در این حوزه انجام شده است: ولیدی (۱۳۸۹) با تأکید بر نقش استعاره‌ها در سازوکارهای قدرت، سرشت استعاری قدرت را نشان داده است. قانع (۱۳۹۱) رویکرد چاتریس‌بلک را برای مطالعهٔ آگهی‌های تبلیغاتی به کار برده و به نقش عوامل اجتماعی

- فرهنگی در انتخاب حوزه مبدأ و برجسته‌سازی عناصر خاصی از آن پرداخته است. رضاپور (۱۳۹۴) با بررسی داده‌های برگرفته از متون سیاسی نشان داده است که کارکردهای اصلی استعاره وجهیت در متون سیاسی، بازنمایی عینی ایدئولوژی‌ها، بیان نگرش نویسنده و میزان قطعیت وقوع گزاره و برجسته‌سازی ایدئولوژی‌هاست.

۳. چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد «تحلیل انتقادی استعاره» (CMA) چارتریس بلک (۲۰۰۴) انجام می‌شود، ابتدا به معرفی اجمالی این رویکرد پرداخته می‌شود.

رویکرد «تحلیل انتقادی استعاره» حاصل توجه بیشتر زبان‌شناسی شناختی به عوامل فرهنگی و اجتماعی در کاربرد زبان و پیوند با گفتمان و مجذوب‌شدن تحلیل انتقادی گفتمان به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زبان‌شناسی شناختی است (Li, ۲۰۱۶: ۹۲). چارتریس بلک با باور به جدایی‌ناپذیربودن تحلیل زبانی از دیگر علوم اجتماعی و ارزشمندی ترکیب تحلیل زبان‌شناختی با درک شناختی و بینش اجتماعی، تلاش کرد تا یک‌بار دیگر قلمرو مطالعات استعاره را توسعه دهد و این‌بار استعاره را به منزله سلاحی مهم در زرادخانه تحلیل انتقادی گفتمان مطالعه کند.

«تحلیل انتقادی استعاره» بر این دستاورد نظریه استعاره‌های مفهومی تکیه دارد که استعاره پدیده‌ای همه‌جا حاضر است، نه فقط در زبان، بلکه در تفکر بشر (Lakoff, & Johnson, ۱۹۸۰) است (Lakoff, & Johnson, ۱۹۹۹). این دیدگاه با آگاهی از موقعیت شناختی ناخودآگاه استعاره، در پی آن است که از آن همچون ابزاری انتقادی استفاده کند و به کاوش در زمینه اهمیت آن در تولید، بازتولید و حفظ روابط قدرت بپردازد. تحلیلگران انتقادی استعاره مطالعه جامع فرایندهای حاکم بر تولید، گزینش و پردازش استعاره‌ها را کلیدی برای پرده برداشتن از نیات پنهان و شاید ناخودآگاه کاربران زبان (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۳۴) و افشای ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها و باورهای بنیادین آنان می‌دانند و از آن همچون ابزاری مهم برای درک بیشتر روابط پیچیده میان زبان، تفکر و بافت اجتماعی بهره می‌برند (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۲۴).

چارتریس بلک بر این باور است که استعاره مشخصه‌های زبانی، کاربردشناختی و شناختی دارد و بعد کاربردشناختی آن از اهمیتی ویژه برخوردار است که در مطالعات اخیر معناشناسی شناختی استعاره غافل مانده است. او رویکرد خود را که درصدد تبیینی جامع از استعاره با تلفیق دستاوردهای تحلیل انتقادی گفتمان، کاربردشناسی و معناشناسی شناختی برمبنای شواهد پیکره‌ای است، «تحلیل انتقادی استعاره» نامید (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۱۳). از این رو

می‌توان گفت «تحلیل انتقادی استعاره» توانمندسازی هدفدار تحلیل‌گفتمان انتقادی و نظریه استعاره مفهومی است. البته این رویکرد در ادامه دوباره پای مطالعات بلاغی و سبکی را نیز به مطالعات شناختی و گفتمانی استعاره باز کرد (ر.ک. Charteris-Black, ۲۰۱۴).

رواج بسیار زیاد و همه‌جا حاضر بودن (هم در زبان و هم در تفکر)، واقعیت روان‌شناختی، ماهیت مفهومی و شناختی ناخودآگاه و ماهیت محصول‌پردازشی استعاره از جمله دستاوردهای نظریه شناختی استعاره برای رویکرد چارتریس‌بلک به شمار می‌روند (Maalej, ۲۰۰۷). علاوه بر این، وی در تحلیل خود از سطوح تحلیلی نظریات شناختی و نیز از مفاهیم شناختی‌ای همچون نگاشت و قالب در ابعاد توصیفی و تفسیری الگوی خود بهره می‌برد. اما کاستی‌هایی در مطالعات شناختی چارتریس‌بلک را به عبور از معناشناسی شناختی واداشت. یکی از این کاستی‌ها خلأهای موجود در زمینه برخی ابعاد گفتمانی و کاربردشناختی استعاره، همچون اثر متقاعدکنندگی و ارزیابانه آن بود. به رغم اذعان پژوهشگران شناختی بر این ابعاد (Lakoff & Turner, ۱۹۸۹: ۶۳) و نیز دایره‌المعارفی بودن معنای زبان (Croft, ۱۹۹۳: ۳۳۶) و به تبع آن استعاره، چنین ملاحظاتی در مطالعات شناختی از توجه چندانی برخوردار نبوده‌اند.

با اینکه در نظریه‌های شناختی «استعاره‌ها همچون عبارات زبانی امکان‌پذیر موجود در نظام مفهومی افراد» تلقی می‌شوند (Lakoff & Johnson, ۱۹۸۰: ۶) و در نتیجه در کاربرد آن‌ها موضوع انتخاب‌گوینده مطرح است، جای خالی مطالعه در زمینه چرایی‌گزینش و ترجیح استعاره‌ای خاص یا چرایی برجسته‌سازی بعد ویژه‌ای از یک حوزه مفهومی و اهداف ارتباطی و کاربردشناختی کاربر استعاره از به‌کاربردن آن در مطالعات شناختی دیده می‌شود.

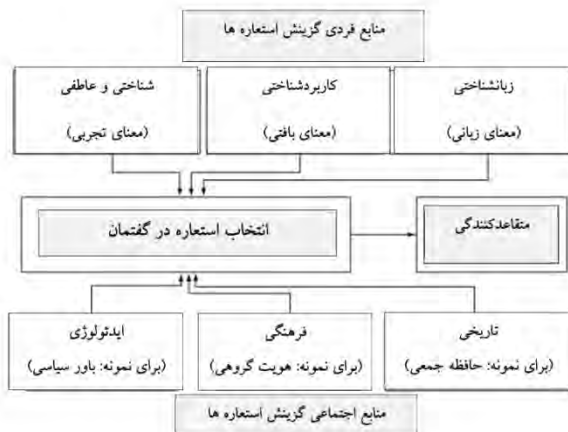
«تحلیل انتقادی استعاره» برای رفع دیگر کاستی نظریه‌های شناختی، یعنی استفاده از داده‌های آزموده‌نشده و مبتنی بر شم پژوهشگر، روشی پیکره‌بنیاد را در پیش گرفته و ادعاهای خود را با زبان در کاربرد واقعی آن می‌سنجد و از تحلیل‌های کمی در کنار تحلیل‌های کیفی بهره می‌برد.

تحلیل انتقادی گفتمان یکی دیگر از حوزه‌هایی است که چارتریس‌بلک در بعد تبیینی رویکرد خود از آن بهره می‌برد. رویکرد وی همچون تحلیل انتقادی گفتمان با اتخاذ موضعی انتقادی، در پی بر ملا کردن نیت پنهان و ایجاد آگاهی درباره نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های پنهان در پس کاربرد استعاره‌هاست و از این طریق دیدگاه معناشناسی شناختی را تکمیل کرده و به الگویی گفتمانی برای استعاره می‌رسد. در این رویکرد نیز براساس همان سنت تحلیل انتقادی گفتمان،

به گفتمان سیاسی بیشتر پرداخته شده است. رویکرد چارتریس‌بلک از دستاوردهای نظریات شناختی برای پر کردن خلأهای موجود در مطالعات تحلیل انتقادی گفتمان در زمینه ساختارهای مفهومی موجود در پس گفتمان و نیز ویژگی‌هایی جهانی استعاره بهره می‌برد (Maalej, ۲۰۰۷: ۱۳۲). چارتریس‌بلک از دستاوردهای کاربردشناسی نیز، هم در بعد توصیفی و هم در بعد تبیینی رویکرد پیشنهادی خود استفاده کرده است. وی ادغام با کاربردشناسی را یکی از مسیرهای مهمی می‌داند که باید پیش روی معناشناسی شناختی قرار گیرد (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۳۴). یکی از اصول مهم تحلیل انتقادی استعاره این است که نظریه کامل استعاره باید دربردارنده دیدگاهی کاربردشناختی باشد که گزینش استعاره را با ارجاع به اهداف کاربرد در بافت‌های گفتمانی خاصی تفسیر می‌کند (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۲۴۷). افرادی همچون فورسویل و لوینسون نیز پیش‌تر بر ضرورت تلفیق دیدگاه معناشناختی استعاره با دیدگاهی کاربردشناختی تأکید کرده‌اند (Levinson, ۱۹۸۳ & Forceville, ۱۹۹۶). چارتریس‌بلک استعاره را نمونه‌ای عالی از دست‌اندازی کاربردشناسی بر معناشناسی می‌داند (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۱) و از این رو می‌توان رویکرد او را در سنت زبان‌شناسی بریتانیا و در زمره آثار کسانی همچون فرث و هلیدی جای داد (Charteris-Black, ۲۰۱۸: ۲۰۶).

تکیه بر تحلیل بافت، این رویکرد را به سمت استفاده از دستاوردها زبان‌شناسی پیکره‌ای سوق داده است. در واقع پیکره‌های زبانی و داده‌های واقعی حاصل از آن‌ها به مدد تحلیلگر استعاره آمده‌اند تا ضمن تأیید تحلیل کیفی با داده‌های کمی، تبیینی جامع، معتبر و واقعی‌تر از نقش گفتمانی استعاره عرضه کند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت چارتریس‌بلک با تکیه بر ماهیت مفهومی استعاره و اتخاذ منطقی انتقادی، به‌کارگیری ترکیبی از روش‌ها و ابزارهای تحلیل‌های شناختی، کاربردشناختی، گفتمانی، پیکره‌ای و حتی بلاغی را در مطالعه استعاره پیشنهاد می‌کند تا هم جای خالی تبیین چرایی گزینش استعاره‌ها، اهداف کاربردی آنها و توجه به بافت را در تحلیل‌های شناختی و هم جای خالی توجه به استعاره و تبیین‌های مفهومی آن را در مطالعات گفتمانی پر کند و از سوی دیگر فضایی را برای تعامل مفاهیم ذهنی، گفتمان و بافت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی که هر دو در آن واقع‌اند، به وجود آورد (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی گفتمانی استعاره (Charteris-Black, ۲۰۱۸: ۲۴۸).

۳-۱. تعریف استعاره در رویکرد تحلیل انتقادی استعاره

چارتریس بلک استعاره را مفهومی نسبی می‌داند که اجماع کاملی درباره آن وجود ندارد و نمی‌توان آن را بر اساس معیاری ثابت تعریف کرد. وی تعریفی تلفیقی از استعاره مبتنی بر معیارهای زبانی، کاربردشناختی و شناختی عرضه می‌کند. در این رویکرد «استعاره» بازنمایی زبانی‌ای تعریف می‌شود که در نتیجه کاربرد یک واژه یا عبارت در بافتی جدید که انتظار رخداد آن واژه یا عبارت در آن نمی‌رفت، تنش معنایی ایجاد می‌کند. معیارهای تعریف استعاره عبارت‌اند از (Charteris-Black, ۲۰۱۸: ۲۰-۱):

معیار زبانی: استعاره واژه یا عبارتی است که از طریق جسمیت‌بخشی^۱، جان‌بخشی^۲، یا جان‌زدایی^۳ تنش معنایی ایجاد می‌کند.

معیار کاربردشناختی: استعاره بازنمایی زبانی ناهمخوانی‌ای است که هدف اصلی و اغلب پنهان آن، تحت تأثیر قرار دادن نظرات و قضاوت‌ها از طریق متقاعدسازی است.

معیار شناختی: استعاره معلول (و شاید علت) تغییر در نظام مفهومی است. مبنای تغییر مفهومی، رابطه روان‌شناختی صفت‌های مرجع عبارتی زبانی در بافت اصلی آن با این صفت‌ها در

۱. Reification
 ۲. Personification
 ۳. Depersonification

بافت جدید است. این ارتباط معمولاً بر شباهتی پیش‌تر ادراک‌شده میان مرجع‌ها در آن بافت‌ها مبتنی‌اند.

۳-۲. سطوح تحلیل استعاره‌ها

در بسیاری از مطالعات استعاره در گذشته، میان استعاره‌های زیرساختی و روساختی تمایز قائل شده‌اند. معناشناسی شناختی میان «بیان زبانی استعاری» و «مفهوم استعاری» تمایز قائل شده و استعاره‌های مفهومی را به منزله‌ی انگیزه‌ی نظام‌مند عبارات استعاری (Lakoff, ۱۹۹۳: ۲۱۰) به صورت تناظرها یا نگاشت‌های نظام‌مند میان دو حوزه‌ی دانش (حوزه‌ی مقصد و مبدأ استعاره) بازنمایی کرده است (Lakoff & Johnson, ۱۹۸۰: ۶).

در رویکرد «تحلیل انتقادی استعاره» نیز نظامی سلسله‌مراتبی در تحلیل استعاره‌ها بر اساس سطح انتزاع آن‌ها به کار می‌رود و استعاره‌ها به صورت سلسله‌مراتبی در قالب کلیدهایی مفهومی، استعاره‌های مفهومی و استعاره‌های زبانی سازمان‌دهی می‌شود (شکل ۲). در سلسله‌مراتب استعاری هر چه به سمت کلیدهایی مفهومی برویم، استعاره بیشتر از دسترس خودآگاه خارج می‌شود (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۲۵۰).

استعاره‌ی زبانی تجلی استعاره‌ی مفهومی در زبان است و در نتیجه با کاربرد یک واژه یا عبارت در بافتی جدید که انتظار رخداد آن واژه یا عبارت در آن نمی‌رفت، تنش معنایی ایجاد می‌کند (Li, ۲۰۱۶: ۹۳). *استعاره‌ی مفهومی* حاصل تناظرها یا نگاشت‌های نظام‌مند میان حوزه‌های مبدأ و مقصد است و می‌تواند تنش معنایی مجموعه‌ای از استعاره‌های زبانی را با نشان دادن ارتباط آن‌ها با یکدیگر، حل کند (Charteris-Black, ۲۰۱۸: ۲۰۴). *کلیدهایی مفهومی* تنش معنایی میان استعاره‌های مفهومی را به همان شیوه‌ی استعاره‌های مفهومی در حل تنش معنایی استعاره‌های زبانی، حل می‌کنند (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۱۴۰).



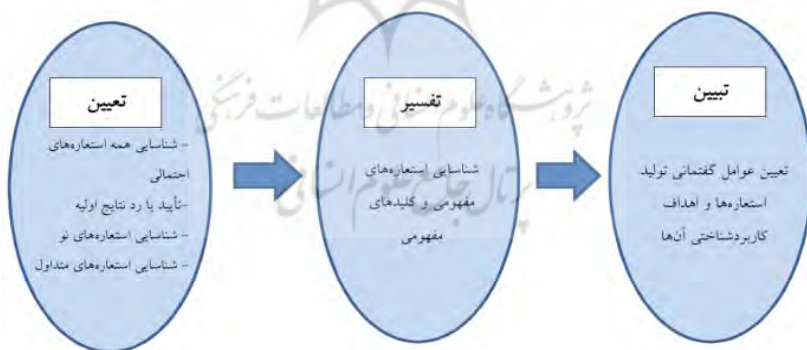
شکل ۲. الگوی سلسله‌مراتبی استعاره

از مزایای قرار دادن استعاره‌های منفرد در الگویی سلسله‌مراتبی دستیابی به مدلی اقتصادی‌تر برای توصیف استعاره‌ها (با استفاده از تعداد کمتری از استعاره‌های مفهومی و تعداد باز هم کمتری از کلیدهای مفهومی)، تسهیل توصیف، طبقه‌بندی و تبیین استعاره‌های زبانی و حل تنش معنایی حاصل از آن‌ها، کمک به تبیین انسجام در گفتمان‌هایی ویژه و تقویت درک ما از نقش استعاره‌ها در ایدئولوژی است.

۳-۳. مراحل تحلیل

چارتریس بلک نیز همچون کمرون و لاو^۱ (۸۸: ۱۹۹۹ا) استعاره را در سه مرحله تحلیل می‌کند که این مراحل شباهت بسیاری به مراحل تحلیل فرکلاف^۲ دارند (۱۹۹۵). (شکل ۳)

نخستین مرحله **تعیین** استعاره‌هاست که مستلزم خوانش دقیق نمونه متون با هدف شناسایی استعاره‌ها بر اساس معیار وجود تنش معنایی است. در مرحله دوم، یعنی مرحله **تفسیر**، استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی به صورت نگاشت‌هایی میان دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد استخراج می‌شوند. در مرحله سوم، **تبیین** استعاره‌ها، به تحلیل عوامل کاربردشناختی، گفتمانی، تاریخی و اجتماعی که گمان می‌رود در تولید استعاره‌های شناسایی شده نقش داشته باشند، پرداخته می‌شود و نقش اجتماعی استعاره‌ها در متقاعدسازی تعیین می‌گردد (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۳۹).



شکل ۳. مراحل تحلیل انتقادی استعاره

۱. Cameron & Low

۲. Fairclough

۳-۴. نقش‌های گفتمانی استعاره

در پژوهش‌های انجام‌یافته براساس رویکرد تحلیل انتقادی استعاره، نقش‌های گفتمانی متعددی برای استعاره‌ها برشمرده شده است که مهم‌ترین آن‌ها نقش استعاره‌ها در مفهوم‌سازی مفاهیم دشوار و انتزاعی، متقاعدسازی منطقی و عاطفی، ارزیابی و بازنمایی ایدئولوژی پنهان در پس متن بوده است. ایجاد تغییر در نظام معنایی، ابهام‌آفرینی، برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی، ایجاد انسجام و آثار زیبایی‌شناختی در متن از دیگر کارکردهایی است که برای استعاره بیان شده است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است و به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته و داده‌های مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. در این پژوهش، بر اساس روش‌شناسی چارتریس‌بلک، پس از گردآوری پیکره، توصیف و تحلیل داده‌ها در سه مرحله تعیین، تفسیر و تبیین انجام یافته است:

در مرحله تعیین، پیکره‌ای حاصل از متن کامل هر سه مناظره تلویزیونی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم در ایران (۱۳۹۶) تهیه شده و کلیه استعاره‌های آن در قالب جدول فهرست و بر اساس حوزه مبدأ دسته‌بندی و تحلیل‌های کمی روی آن‌ها انجام یافته است. نمونه‌ای از پیکره نیز با روش گروه پرگلج‌از^۱ (۲۰۰۷) به نام «روال شناسایی استعاره» (MIP) بررسی شده‌اند که نتایج این بررسی با نتایج حاصل از شناسایی شمی استعاره‌ها مطابقت کامل داشته است.

در مرحله تفسیر، استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی برای استعاره‌های زبانی استخراج شده‌اند. در مرحله تبیین نیز، به دلایل گزینش این استعاره‌ها، الگوهای استعاری استخراج شده و تبیین انگیزه‌های ایدئولوژیک آن‌ها پرداخته شده است.

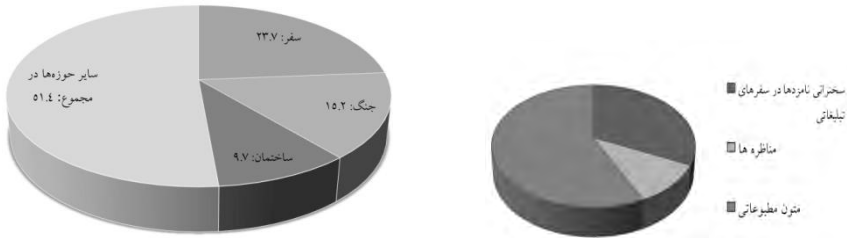
۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱. تحلیل کمی

از پیاده‌سازی متن سه مناظره تلویزیونی، پیکره‌ای تقریباً ۴۰ هزار کلمه‌ای تهیه شده که نسبت وقوع استعاره به کل پیکره حدود ۳ درصد است. این فراوانی در مقایسه با میزان فراوانی

۱. Pragglejazz

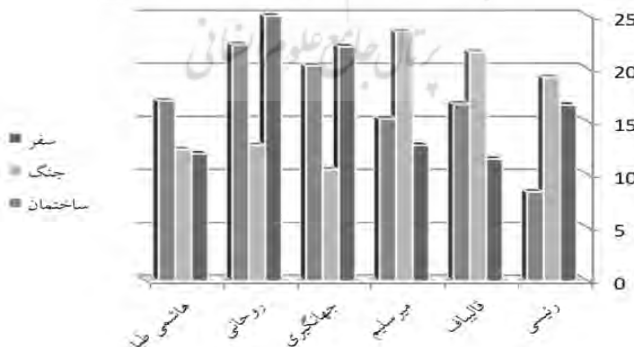
استعاره‌ها در پیکره‌ای متشکل از متون مطبوعاتی در همان دوره زمانی (حدود ۱۶ درصد) و سخنرانی‌های انتخاباتی نامزدها (حدود ۹ درصد) بسیار کمتر است (نمودار ۱).



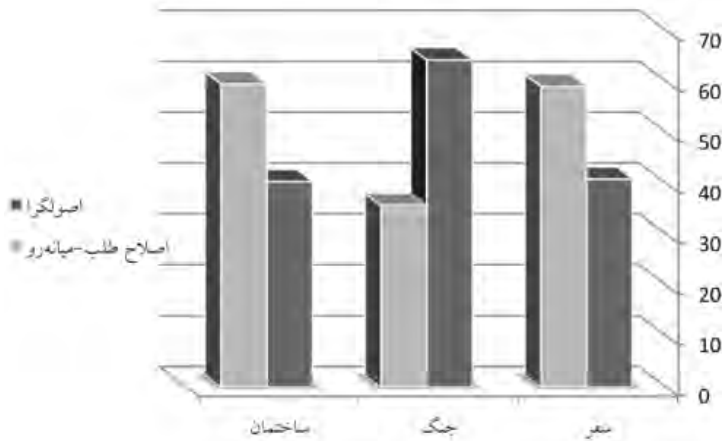
نمودار ۲. درصد فراوانی هر یک از حوزه‌های مبدأ در پیکره

نمودار ۱. درصد فراوانی استعاره‌ها در انواع متون انتخاباتی

در دسته‌بندی استعاره‌ها رویکردی مبدأمحور در پیش گرفته شده است. نتایج بررسی پیکره نشان می‌دهد، حوزه‌های مفهومی سفر، جنگ و ساختمان به ترتیب پربسامدترین حوزه‌های مفهومی به کاررفته به منزله حوزه مبدأ استعاره‌ها در مناظره‌ها هستند (نمودار ۲). برخی از دیگر حوزه‌های شناسایی شده عبارت‌اند از: نور، دیدن، ظرف، گیاهان، ورزش، طبیعت، رنگ و ... مقایسه کاربرد حوزه‌های مبدأ پربسامد از سوی هر یک از نامزدها (نمودار ۳) و نیز مقایسه کاربرد این استعاره‌ها به تفکیک دو طیف سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب‌میان‌ه‌رو (نمودار ۴) نشان می‌دهد میزان استفاده طیف اصولگرا از حوزه مبدأ جنگ و طیف اصلاح‌طلب‌میان‌ه‌رو از حوزه‌های سفر و ساختمان بیشتر از رقیب خود بوده است.



نمودار ۳. کاربرد حوزه‌های پربسامد از سوی هر یک از نامزدها



نمودار ۴. کاربرد حوزه‌های پُرسامد از سوی دو طیف سیاسی

۲-۵. تحلیل کیفی

در ادامه به تحلیل یافته‌های پژوهش درباره سه حوزه پُرسامد سفر، منازعه و ساختمان پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. سفر

استعاره «سفر» سابقه‌ای طولانی در تاریخ پژوهش‌های شناختی دارد. لیکاف و جانسون^۱ (۴۴: ۱۹۸۰) استعاره «عشق سفر است» و لیکاف و ترنر^۲ (۱۹۸۹) استعاره «زندگی سفر است» را پیشنهاد کردند. سپس لیکاف^۳ (۱۹۹۳) استعاره سفر را به شکل «فعالیت هدفمند سفر در مسیری به سمت مقصد است»، دوباره صورت‌بندی کرد.

در مناظره‌های ریاست جمهوری دوازدهم، استعاره سفر پُرسامدترین استعاره بوده است و در ۲۳/۷ درصد از کل استعاره‌های به‌کاررفته، از حوزه سفر به مثابه حوزه مبدأ استفاده شده است. نامزدهای انتخاباتی با فراخواندن هستی‌های مختلفی از حوزه سفر تلاش کرده‌اند برنامه‌ها و اهداف خود را به شیوه‌ای منسجم مفهوم‌سازی کنند (نمونه‌های ۱ تا ۱۱):

۱. Lakoff & Johnson

۲. Lakoff & Turner

۳. Lakoff

جدول ۱. نمونه‌های استعاره سفر در پیکره

۱. نه بازگشت به گذشته و نه تحمل وضع موجود، بلکه تغییر به نفع مردم مقصد مورد نظر ماست (رئیس).
۲. شتاب علمی کشور به شدت کم شده است (رئیس).
۳. حتماً افزایش ۲۵ برابری امکان‌پذیر است؛ به شرطی که کشور در مسیر درست حرکت کند (قالیباغ).
۴. راهی که در پیش گرفته‌اید، جامعه را به قهقرا می‌برد (میرسلیم).
۵. آیا راهی که رفته‌اید در جهت کاهش عدالت اجتماعی بوده و توانسته به سرانجام مطلوب برسد؟ (میرسلیم)
۶. ما ماشین اقتصاد کشور را راه انداختیم، سرعتش کم است، اما ان‌شاءالله سرعتش را هم زیاد می‌کنیم. ما از تحریم‌ها عبور کردیم (جهانگیری).
۷. انتخابات پیش رو عرصه میان انتخاب بد و بدتر نیست؛ بلکه میان راه است و بیراهه. حوزه توسعه ایران را ناتمام نگذارید، باید به تداوم راه بیندیشیم و از تغییر و تحول تترسیم (جهانگیری).
۸. آیا می‌خواهیم برگردیم به قبل از سال ۹۲، یا می‌خواهیم که ملت بزرگ ما راهی را که در این سه سال ونیم با همه زحمت و تلاشی که پیموده است، ادامه بدهیم و به اهداف اصلی برسیم، ما وسط راه هستیم. به عقب بر نمی‌گردیم (روحانی).
۹. بنابراین آنچه که ما امروز در برابر آن قرار گرفته ایم، در واقعیت یک دو راهی است که ما باید یکی از دو راه را انتخاب بکنیم: یا شعار و وعده یا عمل و اجرا... (روحانی).
۱۰. مردم! ما با هم چهار سال پیش یک عهد بستیم و بر اساس آن قدم در این راه گذاشتیم و جلو رفتیم. ما تحریم‌ها را پشت سر گذاشتیم... ما با هم عهد بستیم که از رکود خارج شویم و به رشد اقتصادی برسیم که رسیدیم... ما به همین عهدمان و راهمان ادامه خواهیم داد (روحانی).
۱۱. ما باید در مسیر اصلاح سرزمین ایران کام برداریم و حرکت کنیم (هاشمی طبا).

از آنجا که سیاستمداران با فعالیت سیاسی معطوف به هدف سروکار دارند، می‌توان استعاره مفهومی «فعالیت سیاسی هدفمند سفر در امتداد یک مسیر به سمت مقصد است» را پیشنهاد کرد که بازنمایی سطح مفهومی بنیادین تری است که به صورت کلید استعاری خاص «زندگی سیاسی سفر است» و کلید عام «زندگی سفر است» بازنمایی می‌شود.

نامزدها با فراخواندن حوزه سفر، به حوزه تجربی آشنایی برای خود و مخاطبشان متوسل می‌شوند و با حفظ ویژگی‌های مکان‌شناسی^۱ این حوزه و برقراری تناظرهای هستی‌شناسانه^۲ و تناظرهای شناختی^۳ (Lakoff, ۱۹۹۰: ۴۸)، هم از هستی‌های آشنای این حوزه برای مفهوم‌سازی اهداف و برنامه‌های خود استفاده می‌کنند و هم دانش، منطق و عواطف حاکم بر

۱. Topology

۲. Ontological

۳. Epistemic

حوزه سفر را برای استدلال در تأیید برنامه‌ها و اهداف خود و رد برنامه‌ها و اهداف رقیب به کار می‌گیرند. مخاطب با پذیرش استعاره، بر اساس منطق حاکم بر حوزه مبدأ استدلال و نتیجه‌گیری می‌کند و برای اقدام تصمیم می‌گیرد. به دیگر سخن، استعاره نوعی صغری به شمار می‌رود که اگر پذیرفته شود، کبری اثبات می‌شود و نتیجه آن اقدام خواهد بود (Scott Mio, ۱۹۹۷: ۱۲۰). طرحواره حوزه سفر مسیری را شامل می‌شود که از مبدأ سفر آغاز می‌شود و پس از طی مسیری به مقصدی می‌رسد. در این مسیر موانع و راه‌های انحرافی وجود دارد و می‌توان مسیر رفته را تغییر داد یا بازگشت. رسیدن به مقصد مستلزم تلاش است و داشتن راهنما و هم‌سفر این تجربه را آسان‌تر می‌کند. حرکت در مسیر حرکتی رو به جلو است و چنانچه مسیر درست باشد، هر چیزی که به سرعت این حرکت بیفزاید ارزشمند است و باید هر چه را که این سرعت را می‌کاهد یا مانع ادامه راه می‌شود، برداشت. بازگشت به ابتدای مسیری که درست بوده و نیز ادامه مسیر غلط کاری منفی ارزیابی می‌شود. بر سر دوراهی‌ها باید تأمل کرد و راه درست را برگزید. چنین دانشی موجب می‌شود برخی از هستی‌ها احساسی مثبت در مخاطب ایجاد کنند (مانند «هم‌سفر») و برخی از آن‌ها احساسی منفی (مانند «بیراهه»). استعاره سفر در بردارنده تأکید بر عاملیت و تلاش مخاطب است و در وی شور و انگیزه ایجاد می‌کند. نامزدهای انتخاباتی از دانش، منطق و عواطف حوزه آشنای «سفر» برای ایجاد احساس مثبت درباره خود و برنامه‌هایشان (مشروعیت‌بخشی)، احساس منفی درباره رقیب و برنامه‌هایش (مشروعیت‌زدایی) و متقاعدسازی منطقی مخاطب بهره می‌برند.

استعاره‌ها هر چه در لایه‌های بیشتری تناظر برقرار کنند، موفق‌ترند (Grofman, ۱۹۸۹). هر چه تناظرهای بیشتری میان حوزه مبدأ و مقصد استعاره‌ای برقرار شود، آن استعاره زیاتر است و تناظر شناختی و انتقال دانش و عواطف حاکم بر آن با حوزه مقصد به شکلی منسجم‌تر برقرار می‌شود و در نتیجه قدرت متقاعدکنندگی آن بالاتر می‌رود. از این رو می‌توان گفت حوزه سفر در گفتمان مناظره‌های ریاست جمهوری بسیار متقاعدکننده است (نمونه‌های ۶ تا ۱۰).

نامزدهای طیف اصلاح‌طلب‌میان‌رو، هم به لحاظ کمی بیش از نامزدهای طیف رقیب از حوزه سفر در استعاره‌های خود بهره‌اند (نمودار ۴) و هم با بکارگیری هستی‌های بیشتری از این حوزه، به شکل منسجم‌تری از آن استفاده کرده‌اند.

همان‌طور که نمونه‌ها نشان می‌دهد نامزدهای طیف اصلاح‌طلب‌میان‌رو سناریویی را از حوزه سفر پیش روی رأی‌دهندگان قرار می‌دهند: راهی آغاز شده، مسیری با سختی، اما همراهی

هم‌سفران (ملت) طی شده است، موانع برداشته شده‌اند و اکنون به میانه و بر سر یک دوراهی رسیده است. راه دیگر راهی است که ما را به نقطه آغازی برمی‌گرداند که وضعیتی بسیار نامطلوب بود. اکنون هم‌سفران باید میان ادامه این راه درست یا قدم گذاشتن در بیراهه انتخاب کنند. رها کردن هم‌سفران در این مقطع کاری غیراخلاقی است. سفر با سختی‌هایی همراه است و برای رسیدن به مقصد (نتیجه‌دادن برنامه‌ها و سیاست‌ها) باید ادامه داد و صبر کرد. در واقع نامزدهای اصلاح‌طلب‌میان‌هرو با فراخوانی دانش، استدلال و عواطف حوزه سفر، استدلال و عواطف رأی‌دهندگان را درباره برنامه و اهداف خود و رقیبشان هدایت می‌کنند و به آنان القاء می‌کنند به این دلیل به ما رأی بدهید که رأی‌دادن به ما کاری درست، منطقی و اخلاقی است (نمونه‌های ۶ تا ۱۰).

از آنجا که ظرفیت استعاره برای برجسته‌سازی برخی از جنبه‌های واقعیت و پنهان کردن برخی دیگر از جنبه‌های آن، ثبات و تکرار در استفاده از یک استعاره مفهومی متداول که مخاطب به طور ناخودآگاه آن را می‌پذیرد، استعاره را ایدئولوژیک می‌کند (Lakoff & Johnson, ۱۹۸۰: ۲۲۱ & ۱۱۶, ۲۰۰۷: Maalej). استفاده مکرر نامزدهای طیف اصلاح‌طلب‌میان‌هرو از این استعاره متداول، آن را به گزینه‌ای مناسب برای متقاعد کردن مخاطب و القای ایدئولوژی مورد نظر این طیف تبدیل کرده است که با مقاومت اندکی از سوی مخاطب روبه‌رو می‌شود. در مقابل، نامزدهای اصولگرا از این استعاره مفهومی، به شکلی متفاوت، اما بسیار کمتر، بهره می‌برند. آن‌ها برنامه‌ها و اقدامات نامزدهای طیف رقیب را که در چهار سال گذشته دولت را در دست داشته‌اند، در قالب راهی اشتباه با مقصدی نامطلوب مفهوم‌سازی می‌کنند (نمونه‌های ۳ تا ۵).

آنها تلاش می‌کنند رأی‌دهندگان را از انتخاب دوباره نامزد طیف رقیب (ادامه راه گذشته) منصرف کنند و آنان را با خود برای آغاز راهی جدید همراه کنند (نمونه ۱). گستره و تنوع هستی‌هایی که این طیف از حوزه سفر فرامی‌خوانند به اندازه طیف رقیبشان نیست و به این دلیل که در گفتمان‌شان، تعداد تناظرهای هستی‌شناختی و شناختی برقرارنشده بسیار بیشتری بر جا مانده، استعاره سفر در گفتمان آنان از قدرت متقاعدکنندگی منطقی و احساسی کمتری برخوردار است. شعارهای انتخاباتی طرفداران دو طیف نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در حالی که یکی از مهم‌ترین شعارهای انتخاباتی طیف اصلاح‌طلب‌میان‌هرو («به عقب برنمی‌گردیم») از حوزه سفر

انتخاب شده است، هستی‌های حوزه سفر در شعارهای اصلی طرفداران نامزدهای اصولگرا جایی ندارد.

۵-۲-۲. جنگ

در پیکره مورد بررسی، پس از سفر، استعاره جنگ پرسامدترین استعاره است. استعاره جنگ ۱۵,۲ درصد از کل استعاره‌های پیکره را به خود اختصاص داده است. نامزدهای انتخاباتی با فراخواندن هستی‌های مختلف این حوزه مفهومی آشنا نیز تلاش کرده‌اند برنامه‌ها و اهداف خود را برای رأی‌دهندگان مفهوم‌سازی کنند (نمونه‌های ۱۲ تا ۲۶). استعاره مفهومی «سیاست جنگ است» همچون صورتی خاص از کلید مفهومی «زندگی جنگ است»، ریشه در تجربه فیزیکی و اجتماعی ما از «تقلاکردن» دارد (Charteris-Black, ۲۰۰۴: ۲۴۵). در حیات سیاسی نیز مانند سایر حوزه‌های سیاسی هدف گفتمانی ویژه‌ای برای این «تقلا» یا «مبارزه کردن» وجود دارد. سیاستمداران برای حفظ یا ایجاد ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی مطلوب خود و نیز حفظ روابط قدرت یا تغییر آن در مسیر مطلوب «تلاش می‌کنند». تلاش اصلی‌ترین مؤلفه حوزه جنگ است و هر دو طیف در کاربرد استعاری حوزه جنگ، خود را قهرمان این تلاش برای رسیدن به اهداف مطلوب و جلوگیری از دستیابی مخالفان خود به تحقق اهداف نامطلوبشان بازنمایی کنند.

در این استعاره نیز، همچون استعاره سفر، نامزدها طرحواره جنگ را به خدمت می‌گیرند و میان هستی‌های حوزه سیاست و جنگ تناظرهایی برقرار می‌کنند و از دانش و عواطف این حوزه برای جهت‌دهی عواطف، استدلال، نتیجه‌گیری و در نهایت اقدام مخاطبان (رأی‌دهندگان) بهره می‌جویند. جنگ با هدف کسب یا حفظ اهداف اجتماعی مثبت (آزادی، رفاه و ...) و حذف یا جلوگیری از پدیده‌های اجتماعی منفی (فساد، تورم، فقر، بیماری و ...) که به مثابه «تهدید» مفهوم‌سازی می‌شوند، صورت می‌پذیرد. وجود تهدید به شناسایی دشمن می‌انجامد؛ سپس باید دست به اقدام زد و با دشمن جنگید؛ یا باید از آنچه مطلوب است در برابر او دفاع کرد، یا به آنچه نامطلوب است حمله کرد. از این رو می‌توان استعاره جنگ را به دو خرده استعاره دفاع (نمونه ۲۲) و حمله (نمونه ۱۲) تقسیم کرد. از یک سو، هر طیف ارزش‌های اجتماعی مثبت را طوری بازنمایی می‌کند که یا مورد حمله طیف رقیب است یا در نتیجه برنامه‌ها و سیاست‌های اشتباه طیف رقیب در خطر قرار گرفته است. از سوی دیگر، هر طیف خود را همچون قهرمان یا فرمانده مبارزه‌ای برای دفاع از ارزش‌های اجتماعی مثبت (در برابر طیف رقیب) و حمله به ارزش‌های منفی معرفی می‌کند.

جدول ۲. نمونه‌های استعاره جنگ در بیکره	
تایف سیاسی	متن
اصولگرا	۱۲. امنیت سازمان اداری کشور در گرو مبارزه با فساد است. من با تمام قدرت با فساد مبارزه خواهم کرد (رئیس).
	۱۳. مردم دغدغه‌مند مبارزه با فساد اداری هستند. من با این جریان خواهم جنگید (رئیس).
	۱۴. مثل اینکه انسان بخواهد به عنوان افسری که در میدان جنگ است اعلام کند که نیروهای من از بین رفته است و من نیرویی ندارم (رئیس).
	۱۵. آیا این دولت می‌تواند با ایجاد قاچاق کالا مبارزه کند؟ (رئیس)
	۱۶. برخی مواقع شاهد مقاومت در برابر مبارزه با فساد هستیم (رئیس).
	۱۷. امیدوارم از حرف‌های خود عقب نشینی نکنید (قالیباغ).
	۱۸. هر چه بگندد نمکش می‌زند، وای به روزی که بگندد نمک؛ ما باید شجاعانه بایستیم و با فساد که به وجود آمده است، مبارزه کنیم (قالیباغ).
	۱۹. این چه فرماندهی ستاد اقتصاد مقاومتی است؟ (میرسلیم)
	۲۰. این دولت ضعیف‌ها را به دولت قبلی نسبت می‌دهد؛ اما خودش هم شکست‌خورده است (میرسلیم).
	۲۱. من با رباخواری بانک‌ها جنگ خواهم کرد (میرسلیم).
اصلاح‌طلب - میانه‌رو	۲۲. با تمام قدرت از بخش خصوصی دفاع می‌کنم (جهانگیری).
	۲۳. در دولت یازدهم با تمام قدرت از فضای مجازی دفاع کردیم و جلوی همه قدرتهایی که می‌خواستند شبکه‌های اجتماعی را فیلتر کنند و مانع دسترسی آزاد به اطلاعات شوند، ایستادیم و هزینه‌اش را پرداخت کردیم (جهانگیری).
	۲۴. اگر برخی می‌گویند مذاکرات میدان جنگ بود که این موضوع درست است، زمانی که دیپلمات‌های ما در میدان مذاکره بودند، شماها پشت پرده چه کردید؟ (روحانی)
	۲۵. ما در برابر تحریم‌ها ایستادگی کردیم و آن را شکستیم (روحانی).
	۲۶. زمانی که ما یک فرماندار خانم اهل سنت را منصوب می‌کنیم، از دو جا مورد حمله قرار می‌گیریم (روحانی).

با وجود استفاده نامزدهای هر دو طیف از این حوزه مفهومی، استفاده از این استعاره از سوی نامزدهای دو طیف هم از نظر کمی اختلاف معناداری دارد (نمودار ۴) و هم از نظر کیفی متفاوت است. استعاره‌های جنگ در پیکره نشان می‌دهد، استفاده نامزدهای طیف اصولگرا از هستی‌های مرتبط با حمله (نمونه‌های ۱۲ و ۲۱) و استفاده نامزدهای طیف اصلاح طلب‌میان‌رو از هستی‌های مرتبط با دفاع (نمونه‌های ۲۵ و ۲۲) به نسبت طیف رقیبشان بیشتر بوده است. از آنجا که هدف نامزدهای اصولگرا ترغیب رأی‌دهندگان به کنار زدن دولت کنونی است (موضع حمله)، و نامزدهای اصلاح‌طلب‌میان‌رو نیز درصدد حفظ وضعیت موجود هستند (موضع دفاع)، این نتیجه قابل پیش‌بینی است. موضع اصولگرایان نسبت به وضعیت موجود موضعی انتقادی است و در بسیاری از مطالعات شناختی، انتقاد براساس استعاره مفهومی «مباحثه جنگ است»، به مثابه «حمله» مفهوم‌سازی شده است (نمونه‌های ۱۷ و ۲۶).

در نتیجه، می‌توان گفت در حالی که هر دو حزب از حوزه مبدأ یکسان (جنگ) در بازنمایی اقدامات اجتماعی و سیاسی خود استفاده می‌کنند، معانی‌ای که در بهره‌گیری از هستی‌های مختلف این حوزه به دست می‌دهند، تفاوت‌های ایدئولوژیک بنیادین آنان را به نمایش می‌گذارد و این آرمان‌ها و اهدافشان است که چگونگی به‌کاررفتن استعاره‌ها را تعیین می‌کند. اصولگرایان می‌خواهند با مبارزه با آنچه نامطلوب و نتیجه حضور طیف رقیب در قدرت است، وضعیت جامعه را در جهت مطلوب خود تغییر دهند (نمونه ۱۸). نامزد اصولگرا قهرمانی است که شرط پیروزی او و موفقیتش حذف دشمن (فساد، رباخواری، فقر و ...) و در دست گرفتن فرماندهی (دولت) است که برای این کار نیازمند حمایت رأی‌دهندگان است (نمونه ۱۳) و نامزد اصلاح‌طلب‌میان‌رو فرمانده یا قهرمانی است که باید در برابر رقیبی که آمده تا فرماندهی او را زیر سوال ببرد («این چه فرماندهی» میرسلیم و «آیا این دولت می‌تواند» ریسی) و به دستاوردهای او حمله کند، ایستادگی کرده و از آنچه به سختی به دست آمده است، دفاع کند و برای موفقیت نیازمند حمایت سپاه خود است (نمونه ۲۳).

یکی دیگر از کارکردهای گفتمانی استعاره جنگ این است که با انتقال نظام ارزشی هستی‌های حوزه جنگ به حوزه سیاست، به مشروعیت‌سازی برای خود و سلب مشروعیت از رقیب کمک می‌کند. نامزدهای انتخاباتی با بازنمایی رقیب در مقام دشمن یا فرماندهی نالایق و بازنمایی خود در مقام قهرمان یا فرماندهی لایق در دفاع از ارزش‌های مثبت و مبارزه با

ارزش‌های منفی، استعاره جنگ را برای این کارکرد گفتمانی نیز به کار می‌گیرند (نمونه‌های ۲۴، ۲۰، ۱۹، ۱۵، ۱۴).

کمرن و لائو یکی دیگر از کارکردهای گفتمانی استعاره را کمک به گوینده در بیان تلویحی گزاره‌های خود و حفظ آن‌ها از گفتمان مستقیم و آشکار و فرار او از پاسخگویی در برابر آنچه ادعا می‌کند، عنوان کرده‌اند (۸۶: Cameron & Low ۱۹۹۹b). گوینده می‌تواند با کمک استعاره، بدون اشاره مستقیم و در نتیجه ضرورت پاسخگو شدن، دست‌داشتن در ایجاد شرایط نامطلوب و جلوگیری از تحقق شرایط مطلوب را به رقیب خود نسبت دهد (نمونه ۱۸).

یکی دیگر از اساسی‌ترین کارکردهای استعاره در سیاست، ساده‌سازی و اختصار است. استعاره جنگ می‌تواند مجموعه اقدامات پیچیده‌ای که درک آن برای مخاطب عام دشوار است و توضیح آن در مجال کوتاهی برای مخاطب آگاه به آن حوزه امکان‌پذیر نیست (مانند «حذف ربا از نظام بانکی کشور»)، در قالبی ساده و مختصر مفهوم‌سازی کند (نمونه ۲۱).

۵-۲-۳. ساختمان

استعاره «ساختمان» نیز از استعاره‌هایی است که توجه بسیاری از علاقه‌مندان به پژوهش در حوزه استعاره‌ها را به خود جلب کرده است. استعاره‌های مفهومی متعددی در این ارتباط پیشنهاد شده‌اند («مباحثه ساختمان است»، «نظریه ساختمان است»، «جامعه ساختمان است» و ... (Chilton & Ilyin, ۱۹۹۳; Kövecses, ۲۰۰۲; Lakoff & Johnson, ۱۹۸۰, & Goatly, ۱۹۹۷).

استعاره ساختمان ۹/۷ درصد از استعاره‌های پیکره پژوهش را به خود اختصاص داده است. از بررسی پیکره می‌توان استعاره‌های مفهومی همچون «کشور ساختمان است»، «جامعه ساختمان است»، «دولت ساختمان است»، «اقتصاد ساختمان است»، «خانواده ساختمان است»، «آینده ساختمان است» و ... را استخراج کرد. به نظر می‌رسد انگیزه زیربنایی این استعاره‌ها، دو کلید مفهومی «فعالیت ارزشمند ساختن است» و «نظام مرکب ساختمان است» باشد. متداول شدن استفاده از این استعاره‌های مفهومی به ساخت عباراتی همچون «آینده‌سازان»، «فرهنگ‌سازی»، «پیشنهادات سازنده» و ... منجر شده است.

جدول ۳. نمونه‌های استعاره ساختمان در پیکره	
طیف سیاسی	متن
اصولگرا	۲۷. این امر امکان‌پذیر است، اگر بر پایه و اساس درستی بنا شود (رییسی).
	۲۸. مهارت‌های متعدد مورد نیاز برای زندگی، کار و ساختن جامعه‌ای سالم، فعال و پویا باشند (رییسی).
	۲۹. خانواده ... سنگ بنای اصلی جامعه ماست (میرسلیم).
	۳۰. برای ساختن جامعه‌ای سالم ... سرمایه خارجی لازم است، اما اساس باید داخل باشد (قالیباف).
اصلاح طلب - میانه‌رو	۳۱. اقتصاد کشور به سمت فروپاشی رفت (جهانگیری).
	۳۲. اعتماد رضایت و مشارکت مردم پایه و ستون سرمایه اجتماعی است (جهانگیری).
	۳۳. باید موانعی را که در این مسیر برپا کردند، از میان برداریم (جهانگیری).
	۳۴. باید کاری کنیم که بنای خانواده بنایی مستحکم باشد (روحانی).
	۳۵. به همراه دوستان خود هر روز دولت را تخریب کردید (روحانی).
	۳۶. اگر می‌خواهیم بنای فرهنگ و آموزش را بالا ببریم، باید به زیربناها توجه کنیم (روحانی).
	۳۷. اولین زیربنا اخلاق است (روحانی).
	۳۸. ایران را سربلند کنیم و بسازیم (هاشمی‌طبا).

در این استعاره نیز، طرحواره «ساختمان» از حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی حوزه مقصد فراخوانده می‌شود و میان هستی‌های این حوزه و هستی‌های مختلف در حوزه مقصد تناظرهایی برقرار می‌شود (نمونه‌های ۲۷ تا ۳۸). استفاده از استعاره‌های ساختن برای مفهوم‌سازی فعالیتی مطلوب (نمونه ۳۸)، معمولاً بیانگر نوعی ارزیابی مثبت است، زیرا ساختن مستلزم، هدف، تلاش، همکاری، استواری، دوام، ثبات و صبر است و پاسخ به یکی از نیازهای اساسی انسان (نیاز به سرپناه) را تداعی می‌کند و همین تداعی احساسی مثبت و رابطه بسیار نزدیک این استعاره با استعاره «خوبی بالا است» (نمونه ۳۶)، موجب ایجاد احساس مثبت و در نتیجه اثرگذاری کاربردشناختی می‌شود.

استعاره‌های ساختمان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نخست، استعاره‌هایی که به فرایند ساخت (یا تخریب) اشاره دارند (نمونه‌های ۳۸ و ۳۰)؛ دسته دوم استعاره‌هایی که به اجزاء ساختمان اشاره دارند (نمونه‌های ۲۹، ۲۷، ۳۶) و دسته سوم هم استعاره‌هایی که به انواع سازه‌ها اشاره می‌کنند (نمونه ۳۴).

نامزدهای هر دو طیف از هستی‌های مختلف حوزه ساختمان در گفتمان خود بهره برده‌اند که در این میان سهم طیف اصلاح‌طلب‌میان‌ه‌رو بیشتر بوده است (نمودار ۴). نمونه‌های این حوزه نیز نشان می‌دهد که نامزدهای هر دو طیف تلاش کرده‌اند با بازنمایی سیاست‌ها و فعالیت‌های خود به مثابه ساختن بنای مطلوب (نمونه ۳۸) و تخریب بناهای نامطلوبی (همچون موانع) که (معمولاً) طیف رقیب ساخته است (نمونه ۳۳) و نیز بازنمایی سیاست‌ها و فعالیت‌های طیف رقیب به مثابه ساختن بناهای نامطلوب (موانع) (نمونه ۳۳) و نهایتاً درست نساختن یا تخریب بناهای مطلوب (نمونه ۳۱) به خود مشروعیت بخشیده و مشروعیت رقیب را سلب کنند. از آنجا که بر اساس دانش تجربی ما از حوزه ساختمان، پی نقش بسیاری مهمی در استحکام بنا دارد، اصولگرایان تلاش می‌کنند با ایراد وارد کردن به پی ساختمانی که طیف رقیب در حال ساخت آن است، اساس سیاست و فعالیت‌های آنان را زیر سؤال ببرند (نمونه‌های ۲۷ و ۳۰) و ادامه آن را کاری نادرست جلوه دهند و از این طریق رأی‌دهندگان را به رأی ندادن به طرف مقابل متقاعد کنند. نامزدهای اصلاح‌طلب‌میان‌ه‌رو نیز در کنار بازنمایی انتقادات و فعالیت‌های طیف مقابل به مثابه تخریب، با تکیه بر دانش مخاطب از حوزه ساختمان، استدلال وی را به سمت این نتیجه‌گیری هدایت می‌کنند که فرایند ساختن نیازمند صبر است و نباید بنا را نیمه‌کاره رها کرد و از این طریق رأی‌دهندگان را به ادامه حمایت از خود متقاعد می‌کنند.

حوزه «ساختمان» مانند دو حوزه دیگر سفر و جنگ در بردارنده مفهوم تلاش و هدفمندی است و از نظر مکان‌شناسی، ارتباط نزدیکی با حوزه سفر دارد: هر دو با نوعی افزایش در سطح همراه‌اند (در سفر، در راستای مسیری افقی و در ساختمان در مسیری عمودی) و رسیدن به نتیجه مستلزم صبر و طی زمان است. هر دو فعالیت نیازمند برنامه یا نقشه و معمار یا راهنماست. «مانع» سفر سازه‌ای نامطلوب و منفی است که باید برداشته (تخریب) شود.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از پدیده‌های زبانی بسیار رایج که پس از اثر جریان‌ساز لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از جایگاهی ویژه در نظام فکری، معنایی و زبانی بشر برخوردار شد، استعاره است. بررسی استعاره به

منزله مؤلفه‌ای حاکم بر نظام مفهومی و رایج در زبان، می‌تواند ایدئولوژی نهفته در پس گفتمان سیاسی را آشکار کند (Feng, ۲۰۱۳ & Li, ۲۰۱۶) و یکی از بهترین کلیدهای کشف اندیشه خودآگاه و ناخودآگاه در پس متونی باشد که تولید شده‌اند.

استعاره دیگر فقط آرایه‌ای در کلام به شمار نمی‌رود، بلکه همچون یکی از ستون‌های ساختمان مفهومی در ذهن و شاید مهم‌ترین مؤلفه نظام معنایی، نقش برجسته‌ای در بازنمایی ایدئولوژی، به مثابه نظام معنایی مشروعیت‌ساز قدرت، ایفا می‌کند. در نتیجه، صاحبان قدرت، به صورت آگاهانه و ناخودآگاه، از ظرفیت استعاره‌ها برای تثبیت مشروعیت خود و سلب مشروعیت دیگری، ایجاد تغییر در نظم‌های گفتمانی، برانگیختن تداوی‌های احساسی ناخودآگاه، تأثیرگذاری بر مخاطب، متقاعدسازی منطقی و احساسی او، ارزیابی از خود و دیگری، برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی و از همه مهم‌تر، تسهیل قالب‌بندی و مفهوم‌سازی واقعیت‌های انتزاعی و پیچیده سیاسی - اجتماعی و اقتصادی و پدیده‌هایی که درکشان برای عامه مردم دشوار است، استفاده می‌کنند.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل استعاره‌ها در مناظره‌های ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ انجام شد. برای دستیابی به تحلیلی که دربردارنده توصیف، تفسیر و تبیینی جامع از استعاره‌ها باشد، از رویکرد «تحلیل انتقادی استعاره» چارتریس بلک استفاده شد. تحلیل کمی استعاره‌ها در پیکره‌ای تقریباً ۴۰ هزار کلمه‌ای از متن پیاده‌شده مناظره‌ها حاکی از بسامد پایین‌تر استعاره‌ها در مناظره‌ها (حدود ۳ درصد) در مقایسه با متون مطبوعاتی و سخنرانی‌های انتخاباتی است. دسته‌بندی مبدأمحور استعاره‌ها نشان می‌دهد، حوزه‌های مفهومی سفر، جنگ و ساختمان به ترتیب پربسامدترین حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته به مثابه حوزه مبدأ استعاره‌ها در مناظره‌ها هستند و سهم اصولگرایان در استفاده از استعاره جنگ و سهم طیف اصلاح‌طلب‌میان‌رو در استعاره‌های سفر و ساختمان بیشتر است.

تحلیل کیفی سه استعاره پربسامد نشان می‌دهد که نامزدهای انتخاباتی از حوزه‌های تجربی آشنایی برای خود و مخاطبشان استفاده می‌کنند و با حفظ ویژگی‌های مکان‌شناسی این حوزه‌ها، برای مفهوم‌سازی اهداف و برنامه‌های خود میان هستی‌های آن‌ها تناظر برقرار می‌کنند و از دانش، منطقی استدلالی و عواطف حاکم بر این حوزه‌های مفهومی آشنا برای جهت‌دهی به استدلال و عواطف رأی‌دهندگان در مسیر مطلوب خود (متقاعدسازی) و ایجاد احساس مثبت درباره خود و برنامه‌هایشان (مشروعیت‌بخشی) و احساس منفی درباره رقیب و برنامه‌هایش

(مشروعیت‌زدایی) بهره می‌برند. هر چه تناظرهای بیشتری میان حوزه مبدأ و مقصد استعاره برقرار شود، استعاره زیاتر و در نتیجه متقاعدکننده‌تر می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت براساس یافته‌های این پژوهش: (۱) ایجاد بستر تجربی مشترک با رأی‌دهندگان، متقاعدسازی منطقی و احساسی آنان و مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های خود و مشروعیت‌زدایی از دیدگاه‌های رقیب، مهم‌ترین انگیزه‌های کاربرد و گزینش استعاره‌ها هستند؛ (۲) در این مناظره‌ها از حوزه‌های سفر، منازعه و ساختمان بیش از سایر حوزه‌ها استفاده شده است؛ (۳) به رغم شباهت در استفاده جریان‌های سیاسی از حوزه‌های مبدأ استعاره‌ها، تفاوت‌هایی در فراخوانی هستی‌های این حوزه‌ها مشاهده می‌شود که بازتاب تفاوت‌های ایدئولوژیک این جریان‌هاست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۴). «تحلیل انتقادی استعاره دستوری در گفتمان سیاسی روزنامه‌های داخلی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، شماره ۱: ۴۹-۶۴.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.
- قانع، زهرا (۱۳۹۱). *رویکردی انتقادی-شناختی به استعاره در آگهی‌های تلویزیون ایران*، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان.
- ولیدی، شهرام و کیان، سهیل (۱۳۸۹). «وابستگی متقابل قدرت و استعاره: رویکردی فوکویی-دریادی». *نقد زبان و ادبیات خارجی*، شماره ۵: ۱۲۷-۱۰۹.
- Cameron, L. & G. Low. (۱۹۹۹a). **Researching and Applying Metaphor**, Cambridge.
- Cameron, L. & G. Low. (۱۹۹۹b). "Metaphor", **Language Teaching**, ۳۲: ۷۷-۹۶
- Charteris-Black, J. (۲۰۱۸). "Competition metaphors and ideology: Life as a race", In: Wodak R. & B. Forchtner. ۲۰۱۸, **The Routledge Handbook of Language and Politics**, New York: Routledge.
- Charteris-Black, J. (۲۰۱۴). **Analyzing Political Speeches: Rhetoric, Discourse and Metaphor**, New York: Palgrave-MacMillan.
- Charteris-Black, J. (۲۰۰۶). "Britain as a container: Immigration metaphors in the ۲۰۰۵ election campaign", **Discourse & Society**, ۱۷(۶): ۵۶۳-۵۸۲.
- Charteris-Black, J. (۲۰۰۴). **Corpus approaches to critical metaphor analysis**, Basingstoke & New York: Palgrave-MacMillan.
- Chilton, P & M Ilyin. (۱۹۹۳). "Metaphor in Political Discourse: the Case of the 'Common European House'", **Discourse and Society**, ۴(۱): ۷-۳۱.
- Croft, W. (۱۹۹۳). "The Role of Domains in the Interpretation of Metaphors and Metonymies", **Cognitive Linguistics**, ۴(۴): ۳۳۵-۷۰.
- Fairclough, N. (۱۹۹۵). **Critical Discourse Analysis: the Critical Study of Language**, London: Longman.
- Fairclough, N. (۱۹۸۹). **Language and Power**. London: Longman.
- Feng, Q. (۲۰۱۳). "Metaphor and political myth as revealed by critical metaphor analysis of American presidents' speeches: from Ronald Reagan to Barack Obama". **Journal of PLA University of Foreign Languages**. ۱, ۱۸-۲۲.
- Forceville, C. (۱۹۹۶). **Pictorial Metaphor in Advertising**. London: Routledge.
- Goatly, A. (۱۹۹۷). **The Language of Metaphor**. New York: Routledge.
- Grofman, B. (۱۹۸۹). "Richard Nixon as Pinocchio, Richard II, and Santa Claus: The use of allusion in political satire". **Journal of Politics**. ۵۱, ۱۶۵-۱۷۳.

- Ha Yap, F. (۲۰۱۳). "Constructing political identities through characterization metaphor, humor and sarcasm: an analysis of the ۲۰۱۲ legislative council election debates in Hong Kong". **Proceedings of the International Conference on Political Humor in Modern China, Hong Kong**. December ۱۰-۱۱, ۲۰۱۳, The Hong Kong Polytechnic University, Hong Kong
- Jäkel, O. (۲۰۱۸). "Conceptualising Presidential Elections: Competing Metaphorical Models, and Alternative Approaches to their Critical Analysis". **۳۸th International LAUD-Symposium & ۲nd CLIC Conference 'Cultural Linguistics: Current and Emerging Trends in Research on Language and Cultural Conceptualisations**. Universität KoblenzLandau
- Lakoff, G. (۱۹۹۹). **Philosophy in the Flesh: Embodied Mind and its Challenge to Western Thought**. New York: Basic Books.
- Lakoff, G. (۱۹۹۳). "The Contemporary Theory of Metaphor". In A. Ortony (ed.). **Metaphor and Thought**. ۲nd ed. New York: Cambridge.
- Lakoff, G. (۱۹۹۰). "The Invariance Hypothesis: Is abstract reason based on image-schemas". **Cognitive Linguistics**. ۱(۱), ۳۹-۷۴.
- Lakoff, G & M Johnson. (۱۹۸۰). **Metaphors We Live By**. Chicago: University of Chicago.
- Lakoff, G & M Turner. (۱۹۸۹). **More Than Cool Reason: a Field Guide to Poetic Metaphor**. Chicago: University of Chicago Press.
- Levinson, S. (۱۹۸۳). **Pragmatics**. Cambridge: CUP.
- Li, W. (۲۰۱۶). "Rethinking Critical Metaphor Analysis". **International Journal of English Linguistics**. ۶(۲), ۹۲-۸.
- Kövecses, Z. (۲۰۰۲). **Metaphor: a Practical Introduction**. Oxford: OUP.
- Mio, S. J. (۱۹۹۷). "Metaphor and Politics". **Metaphor and Symbol**. ۱۲(۲), ۱۱۳-۱۳۳.
- Maalej, Zouhair. (۲۰۰۷). "Doing critical discourse analysis with the contemporary theory of metaphor: towards a discourse model of metaphor". In: Hart, Christopher and Dominik Lukeš. **Cognitive Linguistics in Critical Discourse Analysis: Application and Theory**. Cambridge Scholar Publishing.
- Pragglejaz Group. (۲۰۰۷). "MIP: A Method for Identifying Metaphorically Used Words in Discourse". **Metaphor And Symbol**, ۲۲(۱): ۱-۳۹.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی